

## طراحی مدل فضا سازی فرهنگی در جشنواره های هنری فجر انقلاب اسلامی

حسن خجسته باقرزاده

دانشیار دانشگاه صداوسیما.

وحید محمدی

دانشجوی دکترای تخصصی مدیریت رسانه، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

محمد مهدی لیبی

دانشیار واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

### چکیده

هنر ماهیت حسن آفرینی دارد و جشنواره هنری انتشار امواج این زیبایی با بسامد مشخصی است. جریان انرژی این امواج در جامعه عامل ایجاد شور و حرکت در جامعه می گردد و خود این امر تسویه فرهنگ اجتماعی را در پی دارد. آنچه که به عنوان مقدمه و لازمه این معنا باید در نظر داشت وجود سه عامل مهم ذیل است:

۱- نسب شناسی و نسبت سنجی هنرها با یکدیگر.  
۲- درک مفاهیم بلند اسلامی و فجر انقلاب اسلامی به عنوان مرتبه ای از حقیقت تاریخ مقدس و بالاترین آستانه حق نمایی در عالم.

۳- و توان ترکیب و برنامه ریزی و سازماندهی مبتکرانه این امکانات جهت خلق فضایی اشتیاق آفرین در جامعه. بنابراین در ناحیه تفکری به پرداخت نظری هنرها با یکدیگر و نسبت آنها با هم اقدام شده است به این صورت که چگونه و تحت چه شرایطی یک موضوعی قابلیت تبدیل و تبیین در قالبی دیگر را پیدا کند، و در ناحیه باوری به وجود مهمترین محتوای حاکم بر فرم های هنری اشاره می شود که ظرفیت قالبهای هنری چگونه می تواند بازنمایی صحیحی از این شرایط بوجود آمده داشته باشند، و در ناحیه مدیریتی به اهمیت وجود یک ساختار مدیریتی منسجم و فارغ از نواخت های متکثر سیاسی و تغییرات دولتی پرداخته می شود که نه تنها با سلاقی و تعلقات سیاسی افراد گره نخورد بلکه خلاقیت آنها را در ارتقای دقت این قضیه به کار گیرد. ضرورت بحث حاضر از این منظر است که فضای فرهنگی جامعه غالباً به شیوه پیمایش این چرخه وابسته است. غلظت، شدت و ارتفاع در ترکیب سه عنصر فوق الذکر به عنوان مهمترین مولفه های کیفی این قضیه یاد می شود. روش تحقیق حاضر بر مبنای تحلیل محتوای کیفی است و با استفاده از مطالعات کتابخانه ای، مشاهدات میدانی و مصاحبه های مکرر ثبت شده است.

مهمترین محصول مطالعه نیز، ارائه یک مدلی تحلیلی برای کارکردگرایی صنایع فرهنگی و خلاق و یک پیشنهاد ساختاری برای ساماندهی و بهینه سازی برگزاری فرایند جشنواره است که بتواند منشا اثر خیری در مرتبه انقلاب اسلامی قرار گیرد.

کلید واژه ها: فجر انقلاب اسلامی ایران، فضا سازی فرهنگی، صنایع فرهنگی و خلاق، جشنواره های هنری.

## مقدمه

انقلاب اسلامی به عنوان مهمترین مولفه فرهنگ عمومی کشور وقتی در ساحت هنر خود را بازنمایی می‌کند باید ابهت و در عین حال تواضع خود را به تصویر بکشد. صنایع فرهنگی و خلاق به عنوان محمل بروز هنری، قابل‌ترین منشوری است که نور این انقلاب اسلامی را در معنابخشی به زندگی در تنوع رنگی و تکثر فرمی به چشم و قلب مخاطبان ارائه می‌دهد.

محل تمرکز مقاله روی این موضوع بنیان گذاشته شده است که:

۱- نسبت هنرها با یکدیگر و بالتبع نسبت جشنواره‌های هنری با هم چگونه است؟ آیا این تناظر بصورت متوازن در دو ساحت نظر و عینیت جامعه هنری برقرار است؟ برای تناسب‌سازی و توازن‌سازی این مقوله چه فرآیندی را باید در پیش گرفت؟

۲- نحوه آرایش صنایع فرهنگی و خلاق از فجر انقلاب اسلامی به عنوان مهمترین اتفاق عالم و ظهور حکومت دینی با مقیاس کشوری و امتی است چگونه باید باشد؟ آیا عظمت و قوت اثر این فجر در ساحت هنری و میدان جشنواره‌ای تصویر و تفجیر شده است؟ بنابراین بررسی چنین ماتریسی به عنوان مقصود این مقاله در نظر گرفته شده است که در مرحله‌شناسی نسبت‌های هنری را با یکدیگر مورد ارزیابی قرار دهد (تقدیم و تاخر، تاثیر و تاثر، خاص و عام، محکم و متشابه و...) و در مرتبه شناسی میزان بهره‌مندی صنایع فرهنگی و هنری را به عنوان بستر ارتزاق و بهجت خود از متعالی‌ترین مفاهیم خلق شده و به عینیت رسیده در مقیاس جهانی که همان مفهوم فجر است را مورد سوال قرار دهد (فجر، نور، انقلاب قلب‌ها، حکومت دینی، ظلم‌ستیزی و عدالت‌طلبی و...).

تفصیل فجر انقلاب اسلامی از یک سو به عنوان مهمترین محتوای مورد نظر باید مورد کنکاش قرار بگیرد که منجر به تفصیل و تجزیه مسائل فعلی انقلاب و

فرصتها و تهدیدهای موجود شده و از سوی دیگر مناسب‌ترین ابزار فرهنگی و خلاق جهت به کارگیری برای بیان آن موضوع خاص کشف و به کار گرفته شود.

## پیشینه و ادبیات پژوهش

## جایگاه انقلاب اسلامی ایران در تاریخ مقدس

جریان تاریخ جامعه انسانی از زمان هبوط حضرت آدم علیه السلام خلق شد و تا وقوع قیامت امتداد دارد. این سیر اگر در دامنه کلامی خداوند دنبال شود دارای یک جریان رونده‌ای است که مقصدش امت واحده اسلامی است. امتی که همه آحاد آن به یک پیوستگی و انسجامی در تبعیت از امام خواهند نائل خواهند آمد.

در فرایند شکل‌گیری این امت توحیدی، نقاط عطف بلندی قرار دارد که گاه سرعت و شتاب دستیابی به این امر را افزون می‌کند. نقش هر کدام از انبیا را باید در این منظومه به وضوح مشاهده کرد که هر کدام در قوم خود هدایت‌گری این جریان را بر عهده داشتند. امتداد وجود انبیا به حضور ائمه علیهم السلام وسعت گرفت و ایام ظهور آن حضرات قاعده شکل‌گیری امت واحده را ترسیم نمود و گرایش و مطالبه و نیاز بشری را به عنوان اصلی‌ترین عنصر بستری این مقصد باشکوه معرفی کرد. از همین روی غیبت آخرین امام به دلیل عدم تطابق میل امت با افق امامت در تقدیر عالم قرار گرفت و تا مهیا شدن بستر اولیه نیز بر همان قضا جریان خواهند داشت. یکی از نقاط مرتفع این جریان در ایام غیبت امام مهدی علیه السلام، که شور و شعور ملتی را همراهی با رهبری منتسب به امام ساخت وقوع واقعه انقلاب اسلامی ایران بود. انقلابی که در آن دلها منقلب شد و عقل‌ها ارتقا یافت و امیال بلندی شکل گرفت و ریشه ظلم و تبعیض را کنار زد و با امام انقلاب بیعت کرد که آرمان اسلام و انقلاب و عدالت‌طلبی را تا استقرار آن همراهی کند.

این انقلاب اثرات بی‌نظیری در سطح افکار عمومی جهان بر جای گذاشت و آنها را به مدلی از گرایش‌ها و

### فجر انقلاب اسلامی

فجر و هنگامه ظهور نور انقلاب که مصداق ایام الله است به نحوی باید تکریم شود که تجلی آیه خداوند قرار بگیرد. منظور از آیه بودن، قرارگیری در قامت شاخص و مبنایی است که با اشاره به آن تمام راه روشن شود. آیه بودن فجر و انقلاب اسلامی ذیل ولایت و به عنوان مصداق خاصی از تاریخ مقدس به شمار می رود و به عنوان شاخصی است که افراد خود را بواسطه تنظیم با آن در مدار ولایت قرار می دهند. این تاکید در فرمایش شهید بزرگوار انقلاب اسلامی شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی و در فراز وصیت ایشان ذکر شده است:

"برادران، رزمندگان، یادگاران جنگ؛ یکی از شئون عاقبت به خیری «نسبت شما با جمهوری اسلامی و انقلاب» است. "والله والله والله از مهمترین شئون عاقبت به خیری همین است. والله والله والله از مهمترین شئون عاقبت به خیری، رابطه قلبی و دلی و حقیقی ما با این حکیمی است که امروز سکان انقلاب را به دست دارد." در بیان امام خمینی رحمه الله علیه انقلاب اسلامی انفجار نور بود. نور روشنی بخش است و انفجار نور یعنی تصدیق این امر و زدودن هر گونه ابهام و انکار از ساحت جامعه.

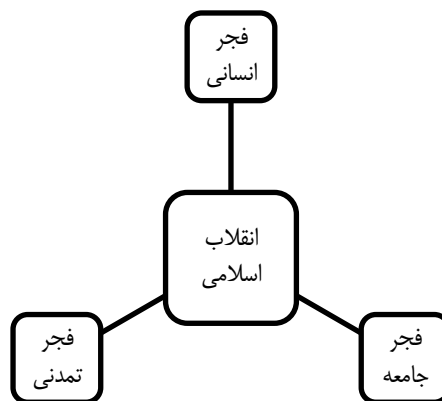
از سوی دیگر و با تدبر در سوره مبارکه فجر، به درک جایگاه فجر نیز می توان دست یافت که فجر ظهور تام یک نصرتی است که بعد از یک لیال عشر رخ می دهد. لیالی که مقام مقاومتی امت را بشارت می دهد و از قرین بودن فتح و پیروزی و به ثمر نشستن تلاشها خبر می دهد. وقتی فجر در مقیاس انسانی و جامعه و تمدنی قرار می گیرد شئون متفاوتی را در منشور خود به نمایش می گذارد که بررسی جلوه گاه این منشور در ابعاد ذیل مورد ارزیابی قرار می گیرد.

باورهای دینی سوق داد که قدرت و عظمت ایمان را در وجود آنها یادآور شد و تمام معادلات سیاسی سران حکومت های مستولی بر شرق و غرب عالم را دگرگون ساخت که تاکنون انقلاب های قبلی اعم از انقلاب فرانسه و روسیه و ... تاکنون مدلی مشابه آن را هرگز ندیده بودند.

تاریخ مقدس نظر به این تقدیر خداوند در جاری شدن و فراگیر شدن دین خود بر تمام عالم است که آیه ۳۳ سوره توبه نیز به همین وعده الهی اشاره دارد. (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ).

بنابراین هر واقعه ای در راستای جریان ظهور دین خداوند قرار بگیرد مصداقی از نصرت و فتح دین است زمین عالم را به برکت جریان وعده الهی احیا می کند. قرارگیری و جایابی افراد در این منظومه بلند و سیر پرشتاب به سمت نهایت آن که امت واحده باشد، ماموریت فردی و اجتماعی مختلفی است که باید برای آن نقش های معینی را ترتیب دهند که بهترین کارکرد را داشته باشند. این سیر تاریخی که همان تاریخ مقدس نام دارد دارای چینی تقدیری است و قطعاً محقق شدنی است و تبیین جایگاه هر شخص و جامعه برای موثر بودن در تحقق این جریان، مهمترین اراده تاریخی اکنون ماست.

حال باید دید در کسوت فرهنگ هنر و در قالب جشنواره های هنری چه آرمانی نسبت به این وعده حقیقی، و چه نگاهی نسبت به فرآیند تحقق آن برای امت متصور می شود. وزن رخدادهای هنری در این منظومه چه مقدار است؟ چه مقدار برای تفصیل این مطالب در سطوح نظری و علمی کار شده است و چه میزان مواد اولیه تهیه آثار هنری با چنین برداشتی فراهم است؟



چنین منظری باید در تمام ساحات هنری به عنوان نطفه اصلی قرار بگیرد و رشد استعداد‌های انسانی به عنوان مهمترین و پایه‌ای‌ترین مرتبه فجر در مرکز هر فعالیتی قرار بگیرد. از این رو ارتقا در تمام مولفه‌های انسانی ذکر شده در جدول زیر به عنوان هدف مطلوب نگارش آثار هنری است.

فجر در ابعاد انسانی زمانی که از انقلاب اسلامی سخن به میان می‌آید قطعاً نخستین بارقه‌های انقلاب در قلوب آن جامعه رخ می‌دهد. قلب آدمی که مرکز امیال و توجهات انسانی است زمانی که نسبت به فرامین الهی خشیت پیدا می‌کند خداوند نور انقلاب را در وجود او می‌تاباند و گرایش‌ها و افکار و امورات او را جهت می‌دهد.

| تعریف عملیاتی                                                                                                  | شاخص                                       | مولفه‌های فجر انسانی |
|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------|----------------------|
| تمام تصاویر قابل دریافت از یک پدیده در تمام مراتب                                                              | (تصویرسازی)                                | تصور                 |
| وسعت دادن به پدیده‌ها از ماهیت تا کارکرد و همچنین ارتباط دادن پدیده‌ها به هم بواسطه هنر خلاقیت                 | (خیال‌پردازی)                              | تخیل                 |
| ایجاد یک محور و پایه برای چهارچوب‌بندی و ستون‌سازی به برداشتهای تصویری و تخیلی                                 | (نحوه ارتباط دهی محکّمات و محل رجوع جامعه) | تفکر و تعقل          |
| تعمیق و ترفیع داشته‌ها و سرمایه‌ها و همچنین تسهیل در اجرا                                                      | (وسعت و ارتقای بخشی)                       | علم و ایمان          |
| ایجاد میل و شیب‌سازی جهت انجام مشتاقانه امور                                                                   | (گرایش و ذائقه)                            | تمایل                |
| شاخصه و صفت و خصلتی خاص در مورد افراد که آنها را منحصر به فرد می‌کند و در عین حال موجب تسریع امور نیز می‌گردد. | (روحیه و شخصیت)                            | تشخیص                |
| بروز عینی و رفتاری افراد در جنبه‌های مختلف زندگی                                                               | (عینیت جامعه)                              | تعین                 |

## فجر در ابعاد جامعه

رویه در شکل گیری روح جمعی و ظهور دولت و ملت اسلامی است. طبق همین مبنا پرداخت به مولفه های جامعه که در شکل زیر ملاحظه می شود به عنوان زیربنای ورود، پرداخت و ارتقای مفاهیم عمومی جامعه مورد دقت قرار می گیرد که منجر به شکل گیری روابط حسنه در تمام سطوح جامعه می شود و امکان رشد جمعی را بصورت وسیع برای همگان فراهم می سازد.

جامعه به عنوان محمل شکل گیری انواع روابط و تعاملات انسانی است. اجتماعات مختلفی که هر کدام دارای یک نبوغ و استعداد خاصی متناسب با اقلیم و تاریخ آن منطقه به شمار می رود بنابراین ساماندهی و تمرکز بر تنوع مواجهات متناسب با هر کدام به عنوان یک اصل مهم به شمار می رود ضمن اینکه هدف از پرداخت به امورات جامعه ایجاد هم افزایی و وحدت

| تعریف عملیاتی                                                                                                                                                                            | شاخص          | مولفه های فجر جامعه                                 |
|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------|-----------------------------------------------------|
| تمامی روابط مبنادار باشند و مبنای خود را از ساحت دین اخذ کنند.                                                                                                                           | (اذن)         | روابط خانوادگی و اجتماعی و اقتصادی                  |
| قومیت ها و تفاوت های اقلیمی و جغرافیایی و فرهنگی همه ذیل ساختار و تعهد الهی و قانونی خود دادوستد کنند                                                                                    | (عهد)         | تبادل فرهنگ ها و گفتمان ها                          |
| منطق رفتاری در تمام ساحات مختلف مبتنی بر آماده سازی عرصه برای ظهور احکام باشد و هرگونه رفتار متمایل به نفسانیت در قالب های متعدد روا نیست.                                               | (تولی و تبری) | تفکر و تعقل اجتماعی                                 |
| روابط افراد جامعه در عین وجود سختی ها و کاستی ها بصورت مودت و رحمت باشد چراکه بدون آن امکان اصلاح امور میسر نیست و در این مسیر همه ساختارها باید ذیل مسائل اولویت دار جامعه قدم بردارند. | (الفت و ملت)  | تزکیه و تعلیم و طاعت                                |
| هر کدام از افراد و اقوام دارای یک ماهیت اقلیمی و تخصص های منحصر به فرد است. همین امر آنها را به برنامه ریزی در راستای بروز استعدادهای خود رهنمون می کند.                                 | (صراط)        | تنوع مردم و تخصص های مختلف                          |
| هماهنگی افراد و یا در وجه مقابل ناهماهنگی آنها منجر به سرعت جریانات یا اصطکاک و کندی و اختلال در مسیر رشد جامعه به وجود می آورد.                                                         | (انفاق)       | جریانات اجتماعی                                     |
| بروز و ظهور استعدادها و به نمایش گذاشتن دستاوردهای حرکت در راستای پیاده سازی احکام و اقامه عدل در ساحات مختلف نتیجه چنین رویه ای خواهد بود.                                              | (سبیل)        | بروز خیرات اجتماعی<br>نشر فضائل و احکام و اقامه قسط |

## فجر در ابعاد تمدنی

است در مختصات تاریخ مقدس نقش فردی و اجتماعی و تمدنی خود را جایابی کند. بدیهی است داشتن چنین افقی و تهیه منظومه لثاری در چنین قواره ای نیاز به عزم جدی و انسجام همگانی است که اراده های بلند و همت های قوی نیز می طلبد.

بلندترین مقیاس شکوفایی بشریت در ساحات مختلف زندگی را تمدن می نامند که مقدمه و لازمه شکل گیری امت واحده توحیدی است. از این رو ترجیح این آثار در فضای فرهنگی و منطق هنری مهمترین سنجه مدیریت فرهنگی است چراکه توانسته

| تعریف عملیاتی                                                                                                                                                                          | شاخص                                     | مولفه‌های فجر تمدنی                                                 |
|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------|
| درجه‌ای از نیاز به تفاهم امت بر سر مسائل اساسی که موجب تراکم آنها در یک راستا و با یک هدف خاص می‌شود.                                                                                  | امت‌سازی (زندگی جمعی)                    | نحل و طبر                                                           |
| درجه‌ای از نیاز به راهنما و رهبری در جامعه که نظام برنامه‌ریزی و ساماندهی را به بهترین وجه و در راستای شکوفایی استعدادهای فردی و سرمایه‌های اجتماعی فراهم آورد.                        | امام خواهی                               | زندگی انبیا                                                         |
| اجتماعی از افراد که در میان آنها تمام ارتباطات مبتنی بر نظام امت و امامت است.                                                                                                          | تبلور تام نظام امام و امت در یک جمع خاصی | مدینه النبی                                                         |
| آئینی که در آن مانور حقیقی ایمان و افق‌سازی حرکات و جریان‌ات امت رقم می‌خورد.                                                                                                          | منسک سازی امام و امت                     | حج                                                                  |
| ایجاد روحیه‌ای در آحاد امت که به واسطه آن تمام اعمال و رفتار جامعه حکم جهاد پیدا می‌کند.                                                                                               | جهاد دائمی                               | کربلا                                                               |
| تشکیل امت واحده‌ای که دین تمام شوون و ساحات و مراتب زندگی فردی و اجتماعی را ساختارمند می‌کند و مدیریت لایه‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی مبتنی بر دین و طبق راهنمایی امام صورت می‌گیرد. | حاکمیت دین در تمام شوون زندگی            | حکومت امیرالمومنین<br>علیه‌السلام<br>حکومت امام مهدی<br>علیه‌السلام |

از مهمترین وظایف جامعه دینی است. هنر مقوله‌ای است منطبق بر فطرت زیابطلب و حسن خواه انسان است و از این منظر می‌تواند توجهات جامعه را بواسطه اهمیت دادن به نقاط اهرمی و شتاب رشد آن متمرکز سازد و امیدآفرینی را در جامعه افزایش دهد.

ساخت جشنواره برای هنرها به مثابه ترسیم نقشه گرایشات و افقهای جامعه است و مدیریت این عرصه باید به اصول محکمی متصل باشد. اصولی که عرصه سلاقی هنری را به مرتبه عقاید انقلاب اسلامی پیوند دهد و میدانی از خواستنی‌های زیبا با پشتوانه دینی را برای جامعه ترسیم کند و در مقابل از گزند و آسیب‌های مورد تهدید نیز دوری کند.

با توجه به جداول سه گانه فوق در حداقل ترین حالت انتظار می‌رود که جشنواره‌های فرهنگی و هنری چنین ساحات و فخری را بر خود فرض کنند که راوی چنین منظومه بلندی خواهند بود. برای ساختاربخشی به چنین منطق روشن و افق بلندی نیاز به بازتعریف مسولیت مدیریتی و انسجام عملکردی در حوزه فرهنگ و هنر وجود دارد که جدیت و عزم ملی را برای چنین حرکتی سامان بخشد.

#### جشنواره‌های فجر انقلاب اسلامی

حفظ انقلاب اسلامی به اندازه خلق آن اهمیت دارد. میزان مراقبت و تلاش برای مصونیت بخشی از آسیب‌های مختلف

| ردیف | اسامی جشنواره‌ها         | دوره برگزاری (تا انتهای سال ۱۴۰۱) |
|------|--------------------------|-----------------------------------|
| ۱    | جشنواره فیلم فجر         | ۴۱                                |
| ۲    | جشنواره تئاتر فجر        | ۴۱                                |
| ۳    | جشنواره موسیقی فجر       | ۳۸                                |
| ۴    | جشنواره هنرهای تجسمی فجر | ۱۵                                |
| ۵    | جشنواره شعر فجر          | ۱۲                                |

|    |                                      |    |
|----|--------------------------------------|----|
| ۶  | جشنواره مد و لباس فجر                | ۱۱ |
| ۷  | جشنواره ادبیات جلال آل احمد          | ۱۵ |
| ۸  | جشنواره بازی های رایانه ای           | ۸  |
| ۹  | جشنواره ملی اسباب بازی               | ۷  |
| ۱۰ | جشنواره رسانه های دیجیتال            | ۱۲ |
| ۱۱ | جشنواره فجر صنایع دستی و هنرهای سنتی | ۷  |

### مولفه های هنر حقیقی

در هنر موضوع زیبایی و ابراز آن از اهمیت خاصی برخوردار است و اولین کلمه ای از قرآن که می تواند هم مفهوم حسن و هم ابراز را با هم داشته باشد کلمه حمد است. زیرا در این کلمه زیبایی صادر شده مورد تحسین واقع می شود. در واقع حمد قدرشناسی از بروز زیبایی حقیقی یا زیبای از جنس کمال است. از همین رو مجموعه مولفه هایی که در یک اثر هنری باید لحاظ شود تا به غایت خود که همان ارتقای جامعه مخاطبان است دست یابد به قرار ذیل است:

۱- اثر هنری باید واجد جلوه های زیبای کمال و نیز دلالت دهنده به آن باشد و اگر در یکی از این دو کوتاهی کند خود را از دایره حسن و حمد خارج کرده است. پس هنر دارای روش و منطقی است که آن را از دایره صرف ذوق و هیجانات بیرون می برد و به یک زیبایی روشمند دلالت می دهد.

۲- یکی از ضرورت های اثر هنری القا و افزایش نفوذ است. القا به خاصیت رویاروسازنده و جلب توجه کننده هنر اشاره دارد. و اگر اثری به هر دلیل نتواند مخاطب خود را جذب کند نمی تواند ادعایی در هنری بودن خود داشته باشد. این ویژگی در صورت خارج کردن مخاطب از غفلت و بی خبری نسبت به موضوعی و متمایزسازی موضوع نسبت به موضوعات دیگر امکان پذیر می گردد.

۳- رسالت هر اثر هنری ایجاد حرکت و قیام در رابطه با موضوعی است که برای آن تولید شده است. اگر اثر هنری بخواهد صرفا جلوه های از زیبایی را نمایش دهد و نتواند یا نخواهد در مخاطب ایجاد حرکت به سمت کمال به نسبت موضوعی داشته باشد اثر هنری محسوب نمی شود.

با معدل گیری برگزاری جشنواره ها تا انتهای سال ۱۴۰۱ رقم قابل ملاحظه ای رویت می شود که توقع و مطالبه اثرگذاری فرهنگی این عرصه را فراتر از موجودیت فعلی دارد از این رو انسجام ارتباط افقی و عمودی این عرصه (ساحت هنرها با یکدیگر مرتبه هنرها با انقلاب اسلامی) مهمترین مسوولیت فعلی عرصه فرهنگ و هنر است.

### چهارچوب نظری هنر

برای بررسی هر پدیده ای، نزدیکترین و ملموس ترین راه شناخت، ارزیابی ظواهر و بروزات آن است. هنر معرکه تحسین و عرصه ظهور و بروز حسن است، و به شرط مدیریت صحیح آن، بهترین راوی عینیت و حقیقت پدیده ها و رویدادها خواهد بود. هر مساله و چالشی در جامعه ناظر به نیاز و انگیزه ای در درون آدمی است که در صورت عدم رفع، تاخیر در رفع، رفع کاذب و یا ارجاع ناصحیح به غیر، اجتماع انسانی را دچار آفت می کند بنابراین انسان و جامعه به فراخور تغییرات وسیع محیطی و تکنیکی در معرض مجموعه ای از آسیب ها و اختلال های جدید قرار دارند به همین دلیل مواجهه با تنوع مسائل اجتماعی نیاز به تنوع گونه شناسی از ماهیت، کارکرد و اثرگذاری صنایع خلاق هست چراکه عدم شناخت نسبت به مولفه های یاد شده در مورد صنایع خلاق، کلاف مسائل اجتماعی را سردرگم تر می سازد.

این گونه شناسی در ساحت ماهیت، کارکرد و اثرگذاری موجب می شود که از سویی تبیین صحیحی نسبت به آسیب ها، مراتب آسیب و دامنه مسائل و پراکنش آنها صورت گیرد و از سوی دیگر نوع و میزان بهره مندی از صنایع خلاق که برای مواجهه با آسیب خاص در سطح و مرتبه خاصی بناست استفاده شود مشخص گردد.

۴- از سویی دیگر نشان دادن مصادیق حقایق می تواند نقش تعیین کننده های در هدایت انسان داشته باشد این مهم توسط هنر می تواند اتفاق بیفتد و افراد را به سمت تشخیص درست و تعیین وظایف سوق دهد.

۵- در هر اثر هنری پیامی به مخاطب منتقل می شود که دارای موضوعی است که هنرمند سعی کرده است مخاطب را نسبت به آن موضوع متوجه و هشیار کند. لازم است انتخاب موضوع اثر هنری وابسته به نیاز مخاطب و فهم درست حقایق در رابطه با آن موضوع باشد بنابراین ضرورت شناخت مخاطب برای ابراز هر القایی از اولویت بالایی برخوردار است.

۶- در باب اهمیت هنرمند نیز همین بس که عامل انتقال اثری هنری می تواند تولیدکننده اثر و نیز انتقال دهنده اثر باشد و هر یک به نوبه خود در انتقال مفهوم به مخاطب نقشی اساسی دارند. گاه انتخاب زمان و مکان ارائه یک اثر هنری از تولید آن اثر اهمیتش بیشتر است و این شناخت از مختصات زمانی مکانی در بسیاری اوقات اهمیتی به همان اندازه اثر هنری پیدا می کند.

۷- علت تنوع قالب های هنری به دلیل تنوع ذائقه هاست. همچنین خلاقیت در ارائه حقایق که از ویژگی های ساختار تفکر انسان است سبب می شود تا هنرمندان را به ابرازهای مختلفی در ارائه حقایق به دیگران سوق دهد. در اهمیت قالب سازی برای ابرازات مختلف و ارتباطات در جامعه باید به قالب سازی و فضاسازی توجه ویژه ای داشت. اثر هنری به واسطه ابزار و اسباب خاص و متنوعی تولید می شود که می توان از آن به قالب هنری یاد کرد. قالب هنری براساس بستر، موقعیت و جنس، کالبد اثر هنری را تشکیل می دهد و هر اثر هنری به واسطه آن پدیدار می شود. به عبارت دیگر می توان قالب اثر هنری را ابزار تولید اثر هنری دانست.

زبان در وجود انسان عضوی است که وظیفه آن ایجاد کلام برای ارتباط با مخاطب است. به همین دلیل می توان قالب اثر هنری را به عنوان زبان هنر معرفی کرد. این زبان می تواند به صورت های مختلف و با قشرهای و گروه های متفاوت با

حالات مختلف ارتباط برقرار کند. در گفتگوسازی لازم است جامعه نسبت به حدود کلمات و معانی آنان به فهم مشترکی برسد و از تشتت در فهم مصون گردد. همچنین لازم است ادب در کلام و نیز تناسب در گفتگو از نظر مرتبه و سن مراعات شود. زیرا از مهمترین عوامل حفظ تقوا برای فرد و جامعه گفتگوست. همچنین هر قدر هنرمندی و بروز حسن در افراد پرورش یابد، استفاده از نطق و کلام گسترش می یابد (اخوت، ۱۴۰۱).

### صنایع فرهنگی و خلاق

صنایع فرهنگی و هنری به صناعی گفته می شود که در زمینه های خلق، تولید و تجاری سازی محتوا که ماهیتی ناملموس و فرهنگی دارند فعالیت می کنند. این محتواها معمولاً از طریق کپی رایت حفاظت شده و در قالب کالاها و خدمات عرضه می شوند (UNESCO, 2000). خدمات و کالاهای فرهنگی معمولاً دارای پنج ویژگی مشترک هستند:

- ۱- ایزاری برای ارائه پیام نمادین به مشتری-مخاطب به شمار می رود و این مهمترین و شاید متمایزترین خاصیت صنایع فرهنگی و خلاق است که مخاطبین خود را به دریافت پیامی فراتر از حدود فعلی دعوت می کند.
- ۲- نیازمند به کاربرد خلاقیت است چراکه جنس سرمایه، فکری و معنوی است بنابراین برای حفظ مخاطبین به سرمایه سازی خلاقانه و مبتکرانه فکری احتیاج است.
- ۳- حداقل بصورت بالقوه حاوی حق مالکیت فکری هستند که متعلق به فرد یا گروه خاصی است.
- ۴- به دلیل انطباق با نیازهای روانی و روحی افراد به عنوان اعتیاد عقلانی توسیف می شود بطوری که مصرف فزاینده فعلی آنها سبب مصرف فزاینده آنها در آینده خواهد شد و چنین تقاضایی غالباً بصورت تجمعی و انباشته خواهد بود.
- ۵- دارای ارزش استفاده ای و غیر استفاده ای: به عبارتی دارای ارزش فرهنگی و اقتصادی هستند و همین بعد فرهنگی آن، موجب تمایز با دیگر اقلام مورد بهره برداری مشتریان است (بیدرام، ۱۴۰۱).

## جشنواره های هنری

جشنواره ساحت فضا ساز زیبایی و برانگیزاننده اراده هاست. محملی که موجب درگیری و مانوس بودن مخاطب با مجموعه ای از مصادیق زیبایی می شود که می تواند آنها را در درون خود تصدیق کند. معمولا برای بزرگداشت مقولات مهم در هر کشور، تبدیل کردن آن موضوع به یک امر همگانی با مشارکت عموم مردم آن جامعه امری بدیهی است. از این منظر جشنواره های هنری یکی از بهترین ابزارهای موجود برای خلق چنین عرصه ای است بنابراین تمامی کشورها دارای آیین و جشن هایی متناسب با فرهنگ و آداب خود دارند. بعضی از این جشنواره ها علاوه بر تعریف هویت ملی

برای خود در صدد تعریف و ارئه الگوی فرهنگی خود نیز بر می آیند. در همین منطق نیز جشنواره های هنری به دلیل خاصیت نفوذ پذیری امکان جاییابی و استقرار در مقصد مورد نظر را بهتر می تواند انجام دهد که اگر این اتفاق رخ دهد توجه و گرایشات جامعه مقصد را به سمت تفکرات خود سوق داده و امکان بهره وری از آن جامعه را برای خود مهیا کرده است.

ذیل همین منطق، هر کشوری که به یک اعتماد به نفس واقعی و قابلیت اطمینانی از جنس مولفه های هویتی از فرهنگ خود دست یابد خود را در آیین جشنواره ها و در معرض عموم مخاطبان می گذارد.



## فضا سازی هنری صنایع فرهنگی و خلاق

نظر به اینکه هر کدام از ساحات هنری سیر تاریخی ظهور و بروز متفاوت خود را داشته اند و حتی در این مختصات شماره گذاری هنری نیز صورت گرفته است متاهی مهمتر از آن، ماهیت اصلی قالب های هنری است که غرض و غایت آنها را متفاوت از هم می سازد. از این

رو هر کدام از این قالب ها دارای یک ابعاد تعریفی و کارکردی مشخصی هستند که دقت و توجه در این معنا و روش بهره مندی از آنها موجب تاثیر گذاری بیشتر این موضوع خواهد شد. در جدول زیر به اختصار هر کدام از این عناصر هنری در نسبت با هم تعریف شده اند که این تشریح باعث ایجاد انسجام معنایی در پرداخت هنری بهینه به مسائل جامعه را در پی خواهد داشت.

| ارتباط و تبادل عناصر هنری با هم | تجسمی                                   | موسیقی                                                                                | ادبیات و شعر                    | انیمیشن               | تئاتر                                                             | سینما                           | مد و لباس              | بازی رایانه‌ای + اسباب بازی    | رسانه                     |
|---------------------------------|-----------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------|-----------------------|-------------------------------------------------------------------|---------------------------------|------------------------|--------------------------------|---------------------------|
| هماهنگی                         | قید و آوا                               | معنا                                                                                  | تخیل                            | روایت و بیان (لحن)    | میل و ذائقه                                                       | زینت و فعل                      | شاکله                  | تراکم با پراکنش                |                           |
| تجسمی                           | نمادسازی                                | ریتم و جریان دار                                                                      | ثابت نقطه عطف (اعتنا سازی)      | زمان سازی و مکان سازی | نشان و نماد و باب ورودی                                           | یک راوی صامت چندلایه از اتفاقات | حسن غرور               | مانوس سازی                     | جعل و وضع واژه            |
| موسیقی                          | هارمونی                                 | نظم سازی                                                                              | هویت و مساله سازی               | چشم‌های متفاوت        | تاکید و تصریح و انگیزش                                            | روان و آهنگین                   | انطباق و وسعت حال      | پر حرارت بودن                  | القاسازی                  |
| ادبیات و شعر                    | منظرگاه و زاویه ساز                     | موزون و متن ساز                                                                       | مفهوم سازی                      | مقیاس بخشی            | فاخرانه و ارتقا بخشی                                              | استعداد پردازی و مخاطب سازی     | عزت و اعتماد به نفس    | عادی سازی                      | کارکرد سازی               |
| انیمیشن                         | تعادل بصری                              | شیب و حجم توجه                                                                        | هویت بخشی                       | انس سازی              | صراحت بر خورد                                                     | متناسب بر عقاید و سلاقی هویتی   | حسن و زیباسازی         | میل سازی                       | طیف ساز و مخاطب سازی      |
| تئاتر                           | تمرکز سازی و تراکم بخشی                 | دامنه سازی و صحنه پردازی                                                              | جهت سازی                        | صمیمت بخشی            | نطق سازی                                                          | اشتیاق سازی                     | قربان بخشی             | الفت بخشی                      | عمومیت بخشی               |
| سینما                           | تلفیق و ترکیب و کارکرد سازی (خلق شخصیت) | فاز و هارمونی ساز (اولویت دار) (تمام مسائل جامعه از یک مرتبه‌ای به بالا را روایت کند) | افق سازی (ناظر به یک هدفی باشد) | تسخیر اذهان           | زیست و باور پذیر سازی                                             | شان سازی                        | میدان و عرصه سازی      | صنعت زا و ایده ساز             | بلوغ و مرجعیت بخشی        |
| مد و لباس                       | آرایش و سبک سازی                        | بافت و جنس                                                                            | ستر و پوشش                      | ترکیب بندی و طرح سازی | تکریم و حیا بخشی (حس حاضر بودن در صحنه - نشدن - لباس اجتماع سازی) | جذابیت                          | سبک سازی               | تکریم تنوع‌های فرهنگی و قومیتی | تعادیل و تولید دسترس پذیر |
| بازی رایانه‌ای + اسباب بازی     | هدف دار و نسخه‌های بروز                 | توازن محتوایی و فنی                                                                   | ارتقای گرایشات                  | چالش برانگیز و تفکرزا | تعاملی                                                            | اقتباسی و زنجیره سازی           | آشنا سازی و غریب زدایی | سهل سازی                       | نزدیک سازی                |

|       |           |          |           |                   |             |                   |                     |                    |          |
|-------|-----------|----------|-----------|-------------------|-------------|-------------------|---------------------|--------------------|----------|
| رسانه | کلمه یابی | خوش ریمی | خوش کلامی | جوانمردی و اخلاقی | صراحت و صدق | تنوع بخشی و تعلیق | قول متین و مفتخرانه | قابل درک و همه فهم | عرف سازی |
|-------|-----------|----------|-----------|-------------------|-------------|-------------------|---------------------|--------------------|----------|

توجه به جدول فوق تناظرات و مناسبات مستقیم و غیرمستقیم بین متغیرها را نشان می‌دهد و بیان می‌دارد که نسبت هر عنصری به عنصر مقابل خود چگونه باید باشد. به عبارت دیگر و از منظر ادبیات عرب هر کدام از موارد فوق چه نوع اشتقاقی از مصدر امر هنری می‌باشد.

روابط برقرار شده بین این عناصر از ماهیت و کارکرد و اثرگذاری هر کدام رونمایی می‌کند به نحوی که برای موضوعات و مسائل مختلف جامعه، بهترین ابزار را جهت پرداخت مساله تبیین می‌کند. این نسبت‌ها هم به انتخاب بهترین گزینه پرداختی برای مسائل مبتلابه جامعه اشاره دارد و هم سیر انتقال معنا را از یک ساحت هنری به یک ساحت هنری دیگر نشان می‌دهد و به عبارت ترتیب و توالی پرداخت تا رفع مساله را نشان می‌دهد چرا که بسیار روشن است منظور از پرداخت به مساله به مثابه نشان دادن صرف مشکلات و اختلالات و آسیب‌ها نیست بلکه منظور استفاده از لحن ممتاز اثر هنری در تبیین تا ترفیع مساله است و به این ترتیب هم شخصیت فرم هنری به عنوان متغیر واحد برجسته می‌شود و هم نحوه ارتباط با متغیرهای دیگر در قالب‌های هنری بعدی اهمیت دارد و هم موقعیت و فضای مساله را در نحوه فضاسازی فرهنگی در ثمربخشی ورود منظومه هنری به آن ساحت را تقویت می‌کند.

بنابراین تعریف توابع هنری مهمترین مزیت جدول فوق است که طبق آن تابع متغیرهای وابسته و مستقل شکل می‌گیرد و توجه به آن، معادلات حاکم بر فضای هنری را تشریح می‌کند. به عنوان مثال نمونه‌هایی از سوالاتی که به ضرورت و اهمیت مساله فوق اشاره می‌کند در ذیل آمده است:

- اینکه نسبت هنر تجسمی به هنر سینما چیست؟

نسبت به هنر مد و لباس چه شاخصه‌ای دارد؟ نسبت به ادبیات و شعر چه مختصاتی دارد؟ وقتی در مقام متغیر مستقل است چه شاخصه‌های هویتی هنر تجسمی را به همراه دارد؟ وقتی در مقام متغیر وابسته است چه شاخصه‌هایی از آن تحت تاثیر قرار می‌گیرد و تغییر می‌کند؟

- آیا می‌توان ادبیات را در انواع ژانرهای آن سینمای داستانی و دوره تخیل سینمای تصویری قلمداد کرد؟ آیا بهتر نیست برای تصاحب سینمای مطلوب ابتدائاً به خلق ادبیات متعالی همت داشت؟

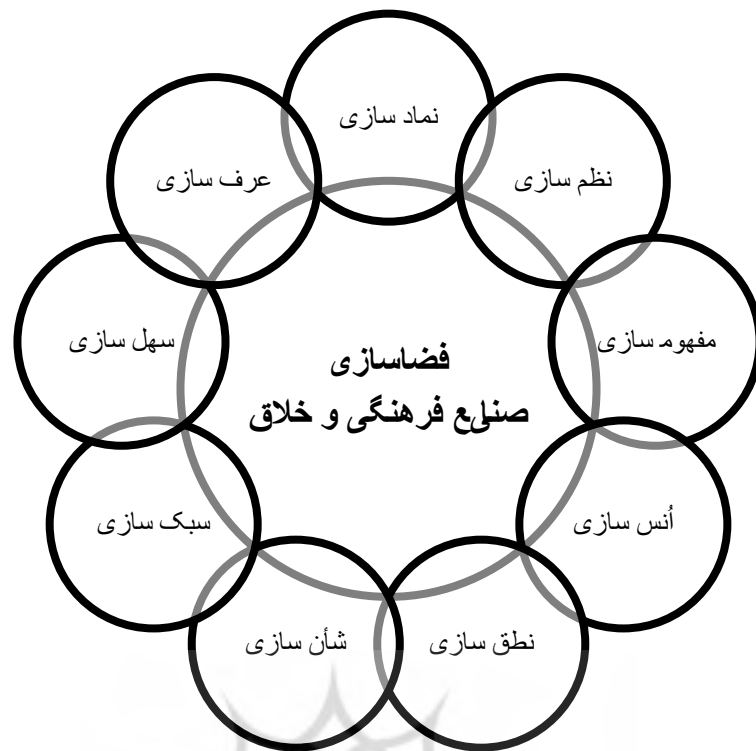
- چگونه می‌توان ریتم زندگی افراد یک جامعه را با موسیقی و شعر تنظیم کرد؟ آیا اصلاً چنین کارکردی را می‌توان از هنر موسیقی انتظار داشت؟ برای رسیدن به نقطه مطلوب موسیقی و برانگیختگی جامعه چه وظیفه‌ای بر دوش هنر موسیقی است؟

- پوشش و مد و لباس یک جامعه چه تاثیری از ادبیات و سینمای یک جامعه می‌پذیرد؟ آیا اساساً می‌توان معادله‌ای را بین این دو متغیر شکل داد؟ منطق تعریف چنین تابعی چگونه باید باشد؟

- نحوه پرداخت رسانه به مقولات جامعه چگونه است؟ آیا هنر تئاتر جامعه در شیوه اظهار رسانه‌ای دخل و تصرفی دارد؟ آیا تشکیک و خبرپراکنی رسانه و یا اطمینان و آگاهی‌بخشی آن را می‌توان مدیریت کرد؟

- و....

از سویی دیگر اشتراک معنایی جدول که قطر اصلی ماتریس فوق را نیز شکل می‌دهد مدل زنجیره فضاساز صنایع فرهنگی و خلاق را خلق می‌کند که روش بهره‌مندی از عناصر صنایع فرهنگی را در مورد مفاهیم منظور نظر بهتر نشان می‌دهد.



از سویی همانطور که در سطورات پیشین گذشت مرحله حفظ انقلاب که ناظر به مسائل مبتلابه جامعه در سیر فرایندی تا تحقق جامعه توحیدی در پیش دارد دارای مولفه‌هایی است که دقت در آنها موجب عدم غافلگیری و فراموشی نسبت به هویت فرهنگی ساحت هنر خود شد.

طبقه‌بندی مسائل مبتلابه جامعه هر موضوعی در جامعه وقتی در ساحات مختلف ورود پیدا می‌کند و ابعاد می‌گیرد در قالب تعاملات و روابط قابل طرح است و زمانی که همین روابط دچار اختلال می‌شوند و روند حرکتی و ساماندهی آنها با اصطکاک مواجه می‌شود در قالب آسیب‌ها بررسی می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



| آسیبهای جامعه                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                    | تعاملات و روابط                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                            |
|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <ul style="list-style-type: none"> <li>- اعتیاد و بیکاری و خشونت</li> <li>- بی اعتمادی اجتماعی و فقر اقتصادی</li> <li>- فساد و تبعیض اجتماعی</li> <li>- بی عدالتی در انواع ساحات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی</li> <li>- سست شدن و به روز نشدن در مبانی انقلاب اسلامی</li> <li>- مسائل اجتماعی نوپدید نظیر فضای سایبر</li> <li>- مشکلات اجتماعی محیط بر جامعه نظیر اختلال در تشکیل خانواده</li> <li>- سیاست های اقتصادی مخرب و ناکارآمد</li> <li>- مسائل آموزش و پرورش</li> <li>- و ....</li> </ul> | <ul style="list-style-type: none"> <li>- روش مواجهه با یک پدیده و رخداد</li> <li>- جریانی از فعالیت های منطبق با روحیه و عرف افراد</li> <li>- معادله حاکم بر روابط افراد</li> <li>- نحوه آرایش امکانات</li> <li>- دادوستد و تعاملات</li> <li>- مقیاس پذیری و کمیت سازی فعالیت ها</li> <li>- بهینه سازی و صرفه سازی فعالیت ها</li> <li>- معادلات حاکم بر تعاملات افراد</li> <li>- تکنیک ها و کنشهای رفتاری و ...</li> </ul> |

تفصیل جدول فوق با ضرب در منشور هویتی صنایع خلاق را نیز می توان در قالب جدول ذیل مشاهده نمود:

| مؤلفه های<br>فضا سازی<br>صنایع خلاق | مسائل جامعه اسلامی<br>روابط و تعاملات - آسیبها                                                                                                                                                                                                                                                                                 |
|-------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| نماد سازی                           | مجموعه نقاط متصل به هم در سطح جغرافیای اجتماعی نظیر منطقه و شهر! (مجموعه ای از شخصیتها- موقعیتها- اجتماعات- روابط)<br>قاب گرفتن مهمترین نقاط عطف چالش برانگیز مواجهات انسانی و اجتماعی- توفیقات در معرکه های مختلف زندگی و در مناظری از میادین و معابر عمومی و در مناسبت های مختلف و تنوع قالبی معماری و دیوارنگاری و .....    |
| نظم سازی                            | اساس زندگی انسان بر پایه نظم و عدل است و اگر توازن آن به هم می خورد لایه جبرانی نیز در همان منطقه قرار داده شده است به همین دلیل پیدا کردن و نشان دادن بافت های وزین و خفیف جامعه نسبت به موضوعات مختلف از مهمترین کارهایی است که در این بخش باید بدان توجه نمود.                                                              |
| مفهوم سازی                          | هر رابطه و تعامل و آسیبی در جامعه به دلیل ارتباطات انسانی دچار انواع پیچیدگی و تراحمات و تعارضات است. از همین روی مشخص سازی مدل تعاملات و مختصات مسائل افراد را به نسبت به ابعاد و مقیاس فضایی رهنمون می کند بنابراین از کنار بعضی از مسائل راحت عبور میکنند و در بعضی مسائل وقوف دارند از نکات این بخش است.                   |
| اُنس سازی                           | تبدیل مشکلات به مساله و عبور از مرحله تحمل کردن به مرحله رفع کردن!<br>این بخش ناظر به ایجاد خط افق آرمانی برای مخاطب که مخاطب آن را نه در لایه حسی بلکه در لایه خیالی و ادراکی با موفقیت طی می کند بنابراین ایجاد یک زمینه قوت در مخاطب که یکبار با عزم و اراده خود پیموده است می تواند راه گشای بسیاری از روابط و مسائل باشد. |
| نطق سازی                            | ورود به زندگی اجتماعی دیگران و مسوولت داشتن نسبت به دیگران و ایجاد حس توانمندی برای از میان برداشتن موانع و اختلالات!                                                                                                                                                                                                          |

|           |                                                                                                                                                                                                                                                                          |
|-----------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| شأن‌سازی  | کسی که جایگاهی برای خود متصور است می‌تواند نسبت به آن جایگاه رفتاری را بروز دهد و گرنه سختی و عدم میل برای انجام امور آن را از شتاب بازمی‌دارد یا به کلی متوقف می‌سازد سینما جایگاه‌ساز و شأن‌ساز است.                                                                   |
| سبک‌سازی  | نحوره بروز و ظهور افراد و میل به شناخته شدن با هر کسوت و شغل و مراتب انسانی و اجتماعی که خودشان دوست دارند از قابلیت‌های سبک‌سازی است.<br>بنابراین مسائل اجتماعی را به لباس زینت و ستر عیوب انسانی و اجتماعی باید مبدل نمود.                                             |
| سهل‌سازی  | هر اتفاقی که بواسطه ترس از قربت یا عدم شناخت فضای موضوع یا القائنات منفی محیطی که انسان را از مقولات روابط و مسائل اجتماعی بیرون می‌کند مذبذوم است بنابراین ایجاد محیطی برای آزمون این عرصه و کسب توفیق و احساس قدرت از مهمترین گام‌های این عرصه است.                    |
| عُرف‌سازی | میزان تراکم یا پراکنش افکار عمومی نسبت به یک اتفاق خاص نسبت مستقیمی با میزان تراکم یا پراکنش اخبار صحیح یا غلط یا شبه خبرهای منتشر شده در جامعه دارد. بنابراین اینکه چه مواردی با چه لحنی و با چه گزاره‌های حقوقی در جامعه جریان داشته باشد بیشتر در رسانه بروز می‌یابد. |

در یک دسته‌بندی کلی دیگر می‌توان مسائل جامعه را که انقلاب اسلامی با آن مواجه است در دو گروه روابط و تعاملات از یکسو و آسیب‌های آن جامعه از سوی دیگر طبقه‌بندی کرد:

موقعیت به شکل روانی قابلیت حل و فصل دارد. مرحله بندی و مرتبه شناسی در امور باعث می‌شود که فرآیند و ساختار آن مساله شفاف گردد و به سبب همین کنکاش ذهنی، مختصات مساله بصورت میدانی پدیدار گردد.

پرداخت به هر مساله‌ای با ذوابعاد دیدن آن پدیده و

| ردیف | مراتب مساله شناسی | شاخص‌ها                                                                                                                                                                                   | ساختار نظری        |
|------|-------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------|
| ۱-   | تسطیح             | - از زیر صفر به صفر رساندن ظرفیت‌های کور شده در تمام مسائل اجتماعی<br>- به ریل اصلی برگرداندن توانمندی‌های زائل شده و هدررفته<br>- زدودن آسیب‌های محیطی و فردی وارد شده                   | مهندسی فرهنگی      |
| ۲-   | تثبیت             | - تعدیل و روان‌سازی محیط<br>- امنیت‌سازی برای افراد و پویا سازی شرایط جدید<br>- فعال‌سازی ظرفیت‌های استفاده نشده افراد<br>- یکپارچه‌سازی افراد و ساخت‌مند کردن گروه‌ها و نهادهای پیرامونی | مدیریت فرهنگی      |
| ۳-   | ترغیب             | - نشان دادن ظرفیت‌های فوق‌العاده افراد و جامعه<br>- القای امید و حس تسخیر و تعالی در جامعه<br>- ایجاد شوق و رغبت جهت مسابقه افراد نسبت به هم در انواع معرکه‌ها                            | سیاست‌گذاری فرهنگی |

حال باید بررسی کرد که صنایع خلاق در چه جایگاه زمانی مکانی و در چه مرتبه‌ای از روابط و تعاملات و یا آسیب‌های جامعه ورود کند تا نتیجه مطلوبی حاصل گردد. لازم است وجوه تمرکز صنایع خلاق از منظر درگیرسازی مولفه‌های انسانی مورد تعریف قرار گیرد:

- بینش: مجموعه ادراکات و گزاره‌های منطقی یا

- غیرمنطقی که فرد تعلق فکری به آن دارد و تمام فعالیت های زندگی خود را به آن مبانی ارجاع می دهد.
- منش: مجموعه گرایشات و هیجانات و روحیات عمومی اشخاص که شاکله عاطفی افراد را شکل می دهد.
- کنش: مجموعه رفتارهایی که آخرین مولفه از حلقه شخصیتی انسان است و منبعث از گزاره های بینش و منش عمل می کند.

| صنایع خلاق<br>تناظر مسائل<br>اجتماعی | تجسمی     | موسیقی         | ادبیات و<br>شعر                                | انیمیشن            | تئاتر              | سینما                                                                    | مد و<br>لباس | بازی<br>رایانه ای<br>اسباب<br>بازی | رسانه       |
|--------------------------------------|-----------|----------------|------------------------------------------------|--------------------|--------------------|--------------------------------------------------------------------------|--------------|------------------------------------|-------------|
| نقش در<br>فضا سازی                   | نماد سازی | نظم<br>سازی    | مفهوم<br>سازی                                  | اُنس<br>سازی       | نطق<br>سازی        | شأن سازی                                                                 | سبک<br>سازی  | سهل<br>سازی                        | عرف<br>سازی |
| درگیر سازی<br>مولفه انسانی           | بینش      | منش<br>کنش     | بینش<br>کنش                                    | بینش<br>منش<br>کنش | بینش<br>منش<br>کنش | بینش<br>منش<br>کنش                                                       | منش<br>کنش   | منش<br>کنش                         | بینش<br>کنش |
| مرتبه ورود به<br>مسائل اجتماعی       | تثبیت     | تثبیت<br>ترغیب | تسطیح<br>(در مرتبه<br>مقاله)<br>تثبیت<br>ترغیب | ترغیب              | تثبیت<br>ترغیب     | تثبیت<br>ترغیب<br>عزتمندانه و نه<br>حقیرانه<br>تسطیح (در مرتبه<br>مستند) | تثبیت        | تثبیت                              | تثبیت       |

تسطیحی نباید باشد چرا که غلبه حوزه منشی و عاطفی در آنها زیاد است و برای بهره جستن از این قالب در مرتبه تسطیح و آسیب شناسی باید به حوزه مقاله نویسی و جستارنویسی ورود پیدا کرد.

طبق همین معادله می توان تفصیل موارد فوق را بواسطه همان مبنای ماهیت، کارکرد و اثرگذاری صنایع فرهنگی و خلاق جست و جو کرد و از نحوه ورود و خروج و حدود و ثغور این مدل برآوردی به دست آورد.

در ادامه مدل منشوری مسائل اجتماعی در کسوت صنایع فرهنگی ارائه می گردد که نشان دهنده این منطق است که روابط و تعاملات اجتماعی چگونه در آئینه این صنعت ظاهر می شود و بهترین برآورد و ارزیابی و توقع از این حوزه فکری فرهنگی در حل مسائل اجتماعی چگونه باید به مطالبه عمومی مردم تبدیل شود.

بنابراین تئاتر و سینما و انیمیشن نباید در حوزه های تسطیح ورود پیدا کنند چراکه پرداخت اسبها و مسائل اجتماعی در این سطح، بیشتر به معنای ضریب دادن به آن مساله و آسیب خاص است و نشان دادن آنها به معنای خلق کردن آنها است مگر اینکه بتواند مخاطب را از لایه های تسطیح که ناظر به بخشی از واقعیت جامعه است به سلامت عبور دهد و آن را بهانه و نقطه پرش برای مخاطب قرار دهد نه نقطه غلتیدن و فرو رفتن در گرداب آن آسیب خاص. در قالب مشابهی می توان از مستند سازی که روی مبنای ادراکی و منطق عقلانی تکیه دارد بهره جست. بطور کلی حوزه نمایشی به دلیل تطابق حقیقی با زندگی افراد در تمام ابعاد و لایه های انسانی و جامعه شناسی قابلیت ساختن واقعیت را دارد

همچنین ورود حوزه ادبیات و رمان و شعر در مسائل

## مدل منشوری مسائل انقلاب اسلامی در منشور صنایع فرهنگی و خلاق.



روش تحلیل محتوا را به عنوان الگوی مواجهه خود خود برگزیده است که از روی داده هایی که بواسطه مشاهدات مستقیم آثار جشنواره های هنرهای مختلف، مطالعه آثار مهم در زمینه جشنواره و صنایع فرهنگی هنری و انقلاب های مختلف، مصاحبه با لایه نخبگان فرهنگی و هنری و همچنین گفت و گوهای مکرر با مخاطب مشتریان این عرصه بعلاوه ارزیابی عملکرد مدیریتی جشنواره ها حاصل شده است به برآورد منطق تحلیلی داده ها دست یافته است.

## یافته ها و نتایج

فجر انقلاب اسلامی آسمانی است که بارش نور را بر قلوب مومنین و آزادگان جهان سرازیر می کند و این

در پایان ذکر نکته ای در باب فضا سازی ضروری است که فضا سازی مقوله ای است که برآیند کلیه فعالیت های صنایع فرهنگی و خلاق است مفهومی که می توان آن را با اصطلاح امرخواهی تعبیر کرد چرا که شکل گیری چنین فضایی منجر به ایجاد دامنه ای از گرایشات و سلاقی در جامعه می شود که جهت این اتفاق به سمت جنسی از امرخواهی از جانب مخاطبین و فضا سازی از جانب هنرمندان منتهی می گردد و شناخت و بهره مندی از این ظرفیت جهت تسطیح، تثبیت و ارتقای روابط و تعاملات و مسائل اجتماعی یک ضرورت محض است.

## روش تحقیق

این مقاله بصورت کاملاً کیفی نگاشته شده است و

زمین فرهنگ است که باید چهره اش را بواسطه خضوع صنایع فرهنگی و خلاق و در خدمت قرار دادن خود ظهورات متنوعی از نعمت ها را به نمایش بگذارد تا دیگران از دیدن چنین عظمتی به وجد آیند و اشتیاق پیوستن به این نور را پیدا کنند.

بنابراین ارائه پیشنهادات زیر جهت تحقق مدل پیشنهادی فضا سازی فرهنگی بواسطه صنایع خلاق در جشنواره های فجر انقلاب اسلامی مطرح می گردد.

۱- هدف از مطالعه حاضر دستیابی به دو منظور بنیادین بود که نخست تبیین منطق نظری و زنجیره هنری متصل به هم قالب های هنری است و دوم ظهور و تجلی بلندترین مفاهیم هستی و بالاترین مرتبه رشد انسانی و مهمترین عرصه ظهور حاکمیت اراده خداوندی است. از همین رو انسجام مبانی نظری و به روز رسانی آنها و کارکرد سازی مفاهیم در کسوت صنایع هنری از مهمترین برنامه های ستاد جشنواره فجر انقلاب اسلامی است.

۲- جشنواره هایی که با اسم و رسم غیری از فجر حاضر هستند بواسطه ملحق شدن به فضای جشنواره ای فجر خود به خود به مراتبی از معنا و جایگاهی از مسوولیت هویتی خویش در آستانه انقلاب اسلامی دست می یابند بنابراین انتساب جشنواره های جاری و فعال ذیل عناوینی دیگری به عناوین جشنواره فجر از مهمترین محورهای قابل تامل است.

۳- ترتیب و توالی زمانی برگزارای جشنواره ترجیحا به تناسب تقدم ماهیتی هنرها نسبت به هم و همچنین در نظر داشتن اتفاقات و نزدیکی به ایام عید نوروز برگزار شود که مشارکت حداکثری عموم مردم را شامل گردد. البته لازم به ذکر است که جشنواره گاها به لحاظ کشش زمانی و ظرفیت های اقلیمی و طبیعی و مناسبت های تقویمی در ایام فجر دچار عسرتی می شود که امکان برگزاری بهینه را سلب می کند از این رو برنامه ریزی صحیح زمانی با دامنه زمانی منعطف و متوالی از دیگر اولویت هاست. ضمن اینکه عمومیت جشنواره ها در

قالب برنامه های نمایشگاهی و فروشگاههای که در فازهای بعدی هر جشنواره هنری خاصی قابل مطالبه است حداقل باید برای یکسال آینده برنامه زمانی را تنظیم سازد.

۴- جشنواره منسکی است که میزان هویت و تعلق افراد را نشان می دهد بنابراین هم از ناحیه مردم و هم از ناحیه مسوولین برای برنامه ریزی صحیح آن مهم می نماید. مدیریت جشنواره های فجر به عنوان اصلی ترین محل انتشار تعلقات هویتی و بزرگترین منبع تفاخر فرهنگی است. از این رو مدیریت فرهنگی این جریان نباید دچار آسیب های دیدگاه ها و رویکردهای جریان های سیاسی و التهابات محیطی قرار بگیرد. به همین دلیل انتساب مدیریت این جریان به شورای هنر به عنوان یکی از شوراهای اقماری شورای عالی انقلاب فرهنگی به منظور تدوین سیاست های لازم در امر هنر، سپرده شود. البته بسیار ضرورت دارد هیات اندیشه ورز و بخش رسانه ای شورای هنر دائما در صدد ارائه مفاهیم مطرحه در سال گردند و نظارت و پاسخگویی شورای هنر و شورای عالی انقلاب فرهنگی اعمال گردد تا سیر منطقی و عالمانه مباحث در اختیار منتقدین قرار بگیرد. از سوی دیگر می توان برای بالا بردن کیفیت علمی شورا در اساسنامه شورا اعضای دیگر را با موافقت شورای عالی انقلاب فرهنگی اضافه کرد.

۵- تعریف مشخص سرفصل ها و موضوع بندی برای امتیازبخشی و ترسیم فضای سینمای یکسال آینده جهت اینکه گرایشات و تولیدات سینمایی به سمت اهداف همسو با انقلاب اسلامی چه در ابعاد فجر و چه در ابعاد حفظ آن در مسائل مبتلابه جامعه میل پیدا کند.

۶- نظر به اینکه ابعادی از فجر تمدنی در این مقاله تصویر شد ضرورت پرداخت حوزه اندیشه و گفتمان سازی برای این حوزه از اولویتهای مختصات زمانی اکنون است. به همین دلیل شکل گیری واحد پژوهشی و همزمان خیز عملیاتی برای این کار بر شورای

هنر فرض است.

سایت جشنواره فیلم فجر:

[/https://fajrfilmfestival.com](https://fajrfilmfestival.com)

سایت جشنواره تئاتر فجر: [/https://fitf.theater.ir](https://fitf.theater.ir)

#### منابع

اخوت، احمدرضا (۱۴۰۱). سند تولید و ارائه اثر هنری.

نشر قرآن و اهل بیت علیهم السلام

اخوت، احمدرضا (۱۴۰۱). حمد ظهور حسن. نشر قرآن

و اهل بیت علیهم السلام

بیدرام، رسول (۱۴۰۱). اقتصاد خلاق. نشر وزارت

فرهنگ و ارشاد اسلامی

برنامه تلویزیونی دوران (۱۳۹۹). پخش از شبکه افق.

Dorantv.ir

جشنواره‌های فجر انقلاب اسلامی در سالهای ۱۳۹۶-

۱۴۰۱

سایت جشنواره موسیقی فجر:

[/https://fajrmusicfestival.com](https://fajrmusicfestival.com)

سایت جشنواره هنرهای تجسمی فجر:

[/https://www.fajrtajasomi.ir](https://www.fajrtajasomi.ir)

سایت جشنواره مد و لباس فجر:

[/https://fajrmode.com](https://fajrmode.com)

سایت جشنواره شعر و ادبیات فجر:

[/http://fajr.adabiatirani.com](http://fajr.adabiatirani.com)

سایت سازمان یونسکو:

<https://www.unesco.org/en>

